

# درآمدی بر شکار و شکار گاه در جغرافیای فرهنگی ایران!

فرشید ابراهیمی



شکار گاه در دوره ساسانی (سازنوازان)، پادشاه و

فریدون جیبندی (تا به سرای پادشاهی ببرند).

فریدون جیبندی (تا به سرای پادشاهی ببرند).

در این‌میان، نیاکان آسیایی ما نیز در خاورمیانه گذشته از سبندینگی و ارژنی که برای جانوران و زیست‌بوم قابل بودند، بهره‌وری از منابع شکار را نیز گریزناپذیر می‌دانستند. چنان‌که در روند هزارها کنش شکار در اندیشه‌های سیاسی ایران و همچنین بر گونه‌های ورزش و ورزشین تن در این کشور تاثیر ی ژرف گذاشت.

«در ایران شکار سنتی کهن بوده که سابقه‌اش به رسوم سومری و عیلامی‌بازمی‌گشته است. در این سرزمین جنگ و شکار هم‌ا‌ز تلقی می‌شدند و جوانان از سنین پایین برای ورزیده‌شدن در فنون نظامی‌به شکار می‌پرداختند. هدف از این کار تهیه‌ی غذا نبوده، چون در میان اشراف و خانواده‌ی شاهی‌بیش از بقیه رواج داشته است. تصاویری که از شاه درحال‌شکارشیر و سایر جانوران وحشی وجود دارد، نشانگر آن است که دست‌وپنجه‌نرم‌کردن رویارو با جانوران که به قدرت شساخته می‌شدند، یکی از شیوه‌های تثبیت مشروعیت شاه به‌عنوان ایرانیان‌البرج‌ن‌گ‌ج‌و بوده است. در ایران حتا در خانواده‌ی سلطنتی، زنان همراه مردان به شکار می‌رفتند و این امر گذشته از تعارضی که با فاشانه‌ی حرم‌سراهای شرقی دارد، نشانگر مشارکت نمادین زنان در امری وابسته به جنگ است. مشارکتی که در همان زمان در قبایل سکا و سارمات همچنان به‌شدت ادامه داشت و در ایران نیز در قالب همراهی زنان شاه با اردوهای جنگی به‌شکلی نمادین دنبال می‌شده است.»۱

**نمادین شکار همچون میدان جنگ**

چنان‌که اشاره شد، بی‌گمان پیوندهای سیاسی و جهان‌بینی‌های بومی‌سرزمین‌های باستانی با شکار، سبب اصلی دل‌بستگی فراوان دولتمردان و سیاست‌مداران به

**از سوی قائم‌مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی کشور صورت گرفت**

## تشکیل کمیته ویژه برای نظارت بر مرمت گنبد مسجد امام

قائم‌مقام وزیر و معاون میراث‌فرهنگی کشور

کمیته ویژه‌ای برای نظارت بر مرمت گنبد مسجد امام تشکیل داد.

به‌گزارش میراث‌آری‌سا، علی‌ داری‌بی در احکامی‌جداگانه، اسکندر مختاری، سید مرتضی فرشته‌نژاد، مهرداد حجازی و علیرضا ایزدی را به‌عنوان اعضای شورای عالی نظرات حفظ و مرمت میراث‌فرهنگی منصوب کرد.

وظیفه اصلی اعضای این ششورا، بررسی وضعیت مرمت گنبد مسجد جامع عباسی (مسجدامام) و رسیدگی به قصور احتمالی



نمای کلی از موزه ملی فرش ایران در تهران

این روزها در نزدیکی موزه ملی فرش، نمایشگاهی برپا شده که دست‌مایه انتقادهایی است؛ فضایی‌که وزارت میراث فرهنگی بیه برخی فرش‌فروش‌ها اختصاص داده تا رونق‌بخش کار هنرمندان شود، اما بسه زعم برخی دیگر این حرکت بیشتر خاری در چشم فرش ایرانی شده است. این نمایشگاه که در نزدیکی موزه ملی فرش ایران به صورت دائمی‌در حال برگزاری است، با حدود ۲۰ غرفه‌ای‌که به خرید و فروش فرش، تابلو فرش و صنایع دستنی اختصاص دارد، با نگاه دوگانه‌ای‌که نسبت به آن وجود دارد، برپا است؛ برخی افراد، خصوصا غرفه داران از شکل گرفتن نمایشگاهی در نزدیکی موزه ملی فرش ایران که محل رفت و آمد گردشگران خارجی نیز هست، استقبال کرده‌اند و برپایی آن را نور باریکی برای رونق گرفتن دوباره‌ی خرید و فروش فرش دانسته‌اند. برخی دیگر اما با انتقاد از چنین نمایشگاهی، آن را کم هزینه‌ترین راه برای نابودی فرش دستبافت ایرانی می‌دانند. علیرضا قادری، موسس اتاق فکر فرش دستبافت یکی از مخالفان است. او در گفت‌وگو با خبرنگار صنایع دستی ایسنا اظهار می‌کند: «نامناسب ترین اتفاقی که می‌تواند در حوزه فرش دستبافت بیفتد، برگزاری چنین نمایشگاهی است و بدتر از آن، این است که جایی مثل موزه فرش این کار را انجام دهد. این کم هزینه‌ترین راهی است که می‌شود فرش دستبافت ایرانی را به عنوان یکی از مولفه‌های فرهنگ ایرانی نابود کرد.»

**این کار به نفع فرش نیست!**

علیرضا قادری که راه‌اندازی سایت اطلاع‌رسانی فرش ایران و همچنین تأسیس اتاق فکر فرش دستبافت ایران را برعهده داشته، به گذشته رجوع می‌کند و می‌گوید: «تجربه نشان داده که ما اگر بخواهیم حرکتی انجام دهیم و این حرکت باعث ماندگاری شود، بهتر است آن را با فرهنگ بومی خودمان ترکیب کنیم. اینکه ما بیابیم مثلا مدل لباس ملکه الیزابت را تقلید کنیم، شاید قشنگ باشد، ولی درخور ما نیست. بنابراین در دوره ای آمدند سوزن‌دوزی بلوچ را جدی گرفتند و لباس هایی را بر این اساس طراحی کردند. یعنی به این نتیجه رسیدند که اگر فرهنگی که ریشه چند هزار ساله دارد را در برخی کارها دخالت دهند، باعث بقای بیشتر می‌شود.»

**به اسم نمایشگاه، فروشگاه راه انداخته‌اند!**

او با انتقاد از وضعیت حال حاضر در حوزه صنایع دستی و فرش ایرانی، تصریح کرد: «سرنوشت ما به دست افرادی افتاده است که واقعا نمی‌دانند که چه کاری انجام می‌دهند. حتی مدیرهای بالادستی که این افراد را منصوب می‌کنند اگر می‌فهمیدند موضوع چیست، این اتفاق رخ نمی‌داد. متأسفانه نظر کارشناسان را نمی‌خواهند. کارشناس در حوزه فرش، از نگاه متولی کسی است که خرید و فروش انجام می‌دهد، نه کسی که این فرهنگ را حفظ می‌کند. بنابراین شما می‌بینید که دست و پای کارشناسی که می‌تواند به درد این حوزه بخورد، بسته

می‌زیستند، در یکی دشت کوچک گرد آیند ... آن گاه، شاه کشورگشا (!) به‌هرسو که می‌نگریست، جانوران را نزدیک خویش می‌دید و می‌توانست که هر چه بیشتر جانوران را بشکند...»۳

در هنر ایران باستان نمونه‌ی برجسته‌ی شکار شاهی را می‌توان صحنه‌ی شکار گاه خسروپرویز در تاق بستان دانست.صحنه شکار خسروپرویز بر روی دیواره‌ی غربی تاق بستان (نزدیکی کرمانشاه) قابل‌دیدن است؛ اگرچه ششوربخانه در دوره‌ی قاجاریه در بخش بالای نگاره، دیوار پاک‌سازی و صاف شده و نگاره‌ی ناهمگون پادشاه قاجار کنده شده است. اما در هر روی این تابلوی زیبایی سنگی، وقار و زینبندی خود را پس از گذشت نزدیک به دو هزار سال همچنان نگاه داشته است.

در ایسن نگاره که بیانگر چگونگی شکوه آیین نخچیر (شکار) شاهانه در دوره‌ی ساسانی به شمار می‌رود، هنرمندان ایرانی همگی ذوق و هنرشان را به کار بسته‌اند تا نشان دهند که چگونه به هنگام شکار، سپاهیان و شکارگران، خنیاگران و رودنوازان (سازنوازان)، پادشاه و یارانش دست به ساخت چشم‌اندازی نمادین و آهنگین می‌زدند.

این صحنه در حقیقت شکار گراز است که در آن چند فیل شکارها را به‌سوی یک گستره بدون دررو می‌رانند و پادشاه نیز که درون قایقی نشسته است به‌سوی گرازهای جنگلی تیر می‌زند. در آن‌میان، دو دسته از نوازندگان دیده می‌شوند که آن‌ها نیز بر قایقی نشسته و درحال‌نواختن چنگ هستند. در گوشه‌ی دیگری گویا خوک‌هایی افتاده دیده می‌شوند که امعا و احسا آن‌ها را بیرون آورده و بر پشت فیل‌ها می‌اندازند (تا به سرای پادشاهی ببرند).

روی‌هم‌رفته نقش شکار خسروپرویز در تاق بستان یکی از بی‌ماندترین نمونه‌های نگارگری‌های دوره‌ی ساسانی به شمار می‌رود که شایسته‌ی بررسی‌های بیشتری است.

یونوشته:

۱. وکیلی، ۱۳۸۶، ۷۶.

۲. پیرنیا، ۱۳۴۴، ۴۱۷.

۳. جنیدی، ۱۳۸۷، ۴۰۵.

۴. وکیلی، ۱۳۸۶، ۷۸.

**منابع:**

پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن، ایران باستان، ج ۲: کوروش کبیر، نشر ابن‌سینا، ۱۳۴۴

جنیدی، فریدون، پیشگفتاری بر ویرایش شاهنامه‌ی فردوسی، نشر بلخ، ۱۳۸۷

حکمت، علی‌رضا، آموزش‌وپرورش در ایران باستان، موسسه‌ی تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، ۱۳۵۰ وکیلی، شروین، تاریخ دروغین یونان، انتشارات داخلی موسسه‌ی فرهنگی هنری خورشید راگا، ۱۳۸۶



**نگاهی به یک نمایشگاه در مجاورت موزه ملی فرش**

### بنویسید نمایشگاه بخوانید فروشگاه!

خصوصی همکاری کنند، بیابند این کار را به صورت غیرانتفاعی انجام دهند. یعنی کسانی هستند که می‌توانند به صورت غیرانتفاعی کمک کنند. بیشتر موزه‌های دنیا امروزه با حمایت‌های مردمی می‌چرخند و بخش بزرگی از هزینه‌ها به این طریق تأمین می‌شود.

**خریدار امنیت ندارد**

قادری در ادامه به این سوال که چنین نمایشگاهی باید چگونه برگزار می‌شد؟ پاسخ می‌دهد: «ساسا برگزاری نمایشگاه در آنجا از چند منظر قابل بحث و بررسی است؛ یکی این‌که از دید اقتصادی به آن نگاه کنیم. در نگاه اقتصادی تحت هیچ عنوان شما نمی‌توانید از مشتری و مصرف کننده حمایت کنید. چرا؟ چون یک عده پولی پرداخت کرده و فضایی را اشغال کرده و با سفیف‌ترین وضع ممکن که همین دارسته‌های فزنی با پلاستیک روی آن است، فضای نامناسبی را ایجاد کرده‌اند. این افراد که پول غرفه پرداخت کرده‌اند، برای این‌که آدم‌ها را به این غرفه‌ها بکشاند که شاید خرید کنند و آنجا شلوغ شود، هر کاری انجام می‌دهند. بنابراین از زاویه اقتصادی خریدار، آنجا امنیت ندارد.»

او ادامه می‌دهد: «اولا استنباب غلطی از فرش و تابلو فرش به افراد ارائه می‌کنند، چون این کارها بسیار ضعیف و بعضا تقلبی هستند. دوم این‌که کسی که در آنجا غرفه برگزار می‌کند، می‌خواهد پول دریافت کند و بنابراین یک عده آدم را می‌آورد و آنها نیز هر چه دم دستشان برسد، به مردم اجحاف می‌کنند. ما در طول این سال‌ها شاهد نمایشگاه‌های موقت به شکلی که فروشگاه نیستند، بودیم. این افراد مدتی کار می‌کنند، جنس می‌فروشند و بعد می‌روند. خریدار بعد از مدتی متوجه می‌شود چیزی که تحت عنوان فرش دستبافت به او فروخته شده، نقش به ظاهر تیزر است، اما بافت خراسان محسوب می‌شود. پس به لحاظ اقتصادی تحت عنوان یک وظیفه شما نمی‌توانید از مصرف کننده حمایت کنید؛ وظیفه‌ای که در بازار برعهده همه ما است.» موسس اتاق فکر فرش دستبافت ایرانی اضافه می‌کند: «نکته دوم این است که برخی تولیدکنندگان و فروشندگان فرش آمده و در شهر یک مغازه اجاره کرده و اکثرا اجاره پرداخت می‌کنند. یک سرمایه‌هنگفتی را با خود آورده و به دنبال مشتری می‌گردند، اما این افراد می‌آیند موقتا در این غرفه‌ها فرش‌هایی را با قیمت بالاتری عرضه می‌کنند و به هر نحوی مردم را به آنجا می‌کشند و تمام زحمت آدمی‌که به مدت یک سال اجاره، مالیات، عوارض و پول آب، برق و گاز در یک فروشگاه پرداخت کرده را زیر سوال می‌برند. در این غرفه‌ها هزینه‌ای نمی‌شود. چهار تا داریست و برزت کشیدن که هزینه‌ای ندارد. نکته دیگری که وجود دارد این است که نمایشگاه‌های دائمی‌در واقع فروشگاه‌های فرشنی هستند که در این مملکت وجود دارد. این‌ها به صورت مورثی در سطح شهر پخش شده‌اند. آیا می‌دانید درحال حاضر چند فروشگاه در سطح شهر فرش عرضه می‌کنند؟ ویتربین‌های فروشگاه‌های فرش خودش نمایشگاه فرش محسوب می‌شود و دولت‌ها باید از این افراد حمایت کنند، اما فقط مالیات می‌گیرند. بعد هم اجازه می‌دهند یکسری آدم در فرهنگی‌ترین و هنری‌ترین محلی که به فرش این کشور تعلق دارد، نمایشگاه برگزار کنند. آن هم در این سطح کیفیت!»

**وزارت میراث فرهنگی**

**محتاج در آمد چنین نمایشگاهی شده است؟**

قادری در ادامه با اشاره به ویژگی‌ها و اهمیت موزه ملی فرش ایران اظهار می‌کند: «ها برای سود شخصی در ساختمانی که جزو آبروی این مملکت است، به راحتی اجازه می‌دهیم چنین نمایشگاهی برگزار کنند. وزارت میراث فرهنگی واقعا محتاج درآمد چنین نمایشگاهی است؟ قبلا هم چنین کارهایی انجام می‌دادند که ما اعتراض کرده بودیم و پیشنهادی نیز ارائه کردیم.» او درباره پیشنهاد ارائه شده می‌گوید: «ها پیشنهاد کردیم حالا که می‌خواهند برای جذب پول با بخش

اخبار کوتاه

**پیکر هوشنگ ابتهاج در رشت به خاک سپرده می‌شود**



دختر امیرهوشنگ ابتهاج در صفحه شخصی خود در فضای مجازی با اشاره به هماهنگی با مسئولان ایران برای خاکسپاری پدرش، اعلام کرد: تشییع پدرم از کنار درخت ارغوان انجام خواهد شد و از آنجا برای خاکسپاری به شهر رشت خواهیم‌رفت. به گزارش ایرنا، یلدا ابتهاج روز پنجشنبه در صفحه شخصی خود به هماهنگی‌های انجام شده در این زمینه اشاره کرده و درباره تاریخ و ساعت دقیق مراسم نیز گفته است که به زودی به همگان اطلاع‌رسانی خواهد شد. پیش از این یلدا ابتهاج بامداد ۱۹ مرداد ۱۴۰۱ در صفحه شخصی اینستاگرام خود با اعلام درگذشت پدرش نوشت: «سایه ما با هفت هزار سالگان سر به سر شد.» وی اواخر تیر به دلیل نارسایی کلیوی در بیمارستانی در شهر کلن آلمان بستری و تحت درمان بود. امیرهوشنگ ابتهاج‌زاده ۶ اسفند ۱۳۰۶ متخلص به سایه، شاعر و پژوهشگر ایرانی است که بسیاری پرداخت زبانی وی را در اشعارش به حافظ نزدیک می‌دانند. از جمله آثار وی می‌توان به «خستین نغمه‌ها»، «سراب»، «سایه‌مشق»، «زمین» و «حافظ به سعی سایه» اشاره کرد.

**شهرام ناظری:**

**اگر رهنمودهای سایه نبود تنها برای دل خود می‌خواندم**



شهرام ناظری هنرمند موسیقی ایرانی

در پی درگذشت هوشنگ ابتهاج، شهرام ناظری هنرمند موسیقی ایرانی که آثار مشترکی با اشعار این شاعر فقید خلق کرده است، دست‌نوشته‌ای را در واکنش به درگذشت «سایه» منتشر کرد. به گزارش ایرنا، در متن این دست‌نوشته آمده است: ترانه

سرای عشق، شاعر بزرگ معاصر ه. الف. سایه از میان ما رفت ... در سال‌های نوجوانی و آغاز کار سایه نقش مهمی‌در زندگی هنری من داشته است. همین قدر بگویم که اگر تایید نوعی برومند به‌عنوان استاد و تصمیم‌گیرنده موسیقی ایرانی و تشویق و رهنمودهای سایه نبوده، شاید من هرگز وارد دنیای حرفه‌ای موسیقی نمی‌شدم و تنها برای دل خود می‌سرودم، می‌نواختم و می‌خواندم. نام و یادش جاودان.

**ابراهیم قنبری مهر**

**هنرمند پیشکسوت موسیقی در گذشت**



ابراهیم قنبری‌مهر سازنده سازهای

موسیقی و از شاگردان ابوالحسن صبا، بر اثر کپولت سنن و ایست قلبی دار فانی را وداع گفت. به گزارش ایرنا از انجمن موسیقی ایران، استاد ابراهیم قنبری‌مهر که چندی قبل به کرونا مبتلا شده و در منزل تحت درمان

قرار گرفته بود، صبح دیروز جمعه (۲۱ مرداد) بر اثر کپولت سنن و ایست قلبی درگذشت. این هنرمند مهم مراد امسال تولد ۹۴ سالگی خود را جشن گرفته بود. قنبری‌مهر سازنده سرشناس سازهای موسیقی و از شاگردان ابوالحسن صبا، اتی‌بن واتلو و سورن آراکلیان متولد دهم مرداد سال ۱۳۰۷ در تهران بود. وی در ۶ سالگی پدرش را از دست داد. پس از تحصیل تا پنجم ابتدایی برای امرار معاش به کارهای مختلفی از جمله تجاری روی آورد. با توجه به علاقه‌ای که به موسیقی داشت، پس از چند سال و زمانی که امکانات فراهم شد، تصمیم گرفت تا برای یادگیری موسیقی و نوازندگی ویلن نزد ابوالحسن صبا برود. پس از گذراندن یک دوره نت‌نویسی و آشنایی با گام‌های موسیقی ایرانی و غربی و یادگیری نوازندگی، صبا پیشنهاد ساخت ویلن را به وی می‌دهد و او را به سورن آراکلیان معرفی می‌کند تا از اطلاعات و مطالعات نظری وی آگاه شود. قنبری‌مهر با بهره‌مندی از راهنمایی‌های ابوالحسن صبا و سورن آراکلیان به ساخت ویلن پرداخت و سال ۱۳۳۴ کارگاه سازسازی وزارت فرهنگ و هنر را تأسیس کرد. وی سال ۱۳۳۹ از سوی اداره هنرهای زیبا برای کارآموزی در کارگاه اتی بن واتلو که در پاریس قرار داشت به فرانسه اعزام شد. قنبری‌مهر به دلیل مهارت و تجربه فراوان، مستقیما به دوره مخصوص تعمیرات که مربوط به دوره عالی است، راه یافت. این هنرمند دوره عالی ساخت ساز را که مدت آن ۲ سال بوده، در مدت ۶ ماه تمام کرده و به ایران بازگشت و به غیر از ساخت ویلن شروع به ساخت سازهای ایرانی کرد. قنبری‌مهر همچنین در سازهای ایرانی تغییراتی ایجاد کرد تا مشکلات این سازها را کمتر یا برطرف کند. از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به تنظیم فاصله گوشی، ثابت کردن خرک سسه‌تار، تثبیت پرده‌های تار و سه‌تار با فلز، تغییر سرپنجه تار و سه‌تار به قالب گیتار، ایجاد شیار در اطراف دهانه کاسه و نقره تار، طراحی ساز کروماتیک سنتور، تغییرات در سازهای قانون و گمانچه اشاره کرد. از دیگر فعالیت‌های او، ابداع تکنیکی در تزئین سازها با بهره‌گیری از تلفیق ورق برنج و چوب‌های زینتی معروف به مهر کاری است که استادان سازنده ساز، نام آن را از پسوند فامیل قنبری‌مهر گرفته‌اند. قنبری‌مهر در اوایل دهه هفتاد، با اندازه‌گیری نسبت نوازنده به ساز در نقاشی‌های ظروف به جای مانده از دوره ساسانی، برپط‌هایی را مشابه برپط‌های آن دوره، به دو صورت متفاوت، یکی با صفحه پوستی و دیگری با صفحه چوبی ساخت. او شاگردان بسیاری را در عرصه سازسازی تربیت کرد که هر کدام نقش بسزایی در ارتقای سطح کیفی سازهای ایرانی ایفا کردند.

